

بردگی کودکان سوریه در ترکیه

هزاران کودک مهاجر سوریه ای بجای اینکه در ترکیه بمدرسه بروند برای گذران معیشت خود و خانواده شان در کارگاههای کوچک مشغول بکارند.

در حالیکه کودکان شهروندان ترکیه در مدارس اند، روآ، کودک هفت ساله سوریه ای با ۱۲ ساعت کار طاقت فرسا (هشت صبح تا هشت شب) کارتونهای بزرگ بسته بندی شده را جابجا میکند.

روآ میگوید: رویای من رفتن بمدرسه است اما پدرم بیمار است و من مجبورم که خانواده را تامین کنم.

او سه سال در سوریه درس خوانده بود که جنگ خانمانسوز او و بسیاری را مجبور به مهاجرت به ترکیه کرد. در ترکیه بچه های مثل او روزانه برده وار استثمار میشوند. او فقط ۲۰۰ لیر که بزحمت برابر با ۷۰ یورو در هفته میشود دریافت میکند.

احمد اولسالسی مالک کارگاه پارچه بافی میگوید: تازه همه مثل روآ کارگر خوبی نیستند. او دختر خوب و مهربانی است و بخاطر شرایط بدی که دارد ما بهش کمک میکنیم.

در این کارگاه کوچک از جفت کردن تا اتیکت زدن و داخل کارتون گذاشتن و حمل آنها، کار بیست نفر است که پانزده تا از آنها کودکان سوریه ای اند. وضعیت در کارگاههای دیگر شهر و در زیرزمینها هم بهمین منوال است.

خانواده روآ در یک قطعه پانزده متری زندگی میکند. مادرش بعلت پا درد فقط قادر به کار نصفه روزه است و پدرش بخاطر سکنه قلبی احتیاج به دارو دارد.

مادر روآ میگوید: وقتی با دخترم بگردش میرویم او از من سوال میکند که چرا برایش هیچوقت چیزی نمیخرم. نگاه و سئوالش مثل خنجری هر بار بقلبم میخورد و بیرون می آید. آخر ما راه دیگری نداریم. او باید کار کند چون شوهر بیمارم فقط بخشی از داروهایش را با کار او میتواند تهیه کند. اگر او کار نکند ما نمیتوانیم به زندگی ادامه بدهیم. خوب گذران زندگی در ترکیه اینجوری است.

رویای خانواده این بود که به اروپا بروند. ولی این رویا خانواده شان را از هم متلاشی کرد. او عکس قبر پسرش را بمن (خبرنگار) نشان داد که یک زن مصری برایش فرستاده بود. او که پسر بزرگ آنها بود قبل از اینکه به آنطرف آنها به مصر برسد جانباخته است. جگرم پاره پاره است که حتما نتوانستم بر مزارش باشم و با او وداع کنم. ما برای آینده ای بهتر بهای گزافی را پرداختیم. بچه ها در سوریه همه بمدرسه میرفتند اما حالا دیگر چیزی بیش از این ندارم که فدای آنها کنم.

طبق آمار بین المللی، دو میلیون و هشتصد هزار مهاجر سوری در ترکیه وجود دارد که ۸۰۰ هزار نفر آنها کودک مدرسه ای هستند و فقط ۲۲۰ هزار از آنها بمدرسه میروند. از بچه هایی که در کمپهای مهاجرین اند، بیشتر از ۹۰ درصدشان خارج قوانین کمپ هستند و از حداقل امکانات محرومند. مشکلات زبانی و اقتصادی مانع برزگیست که جامعه آنان را پذیرا باشد. در حال حاضر فقط سه میلیون کودک مجموعا در داخل و خارج مرزها به مدرسه راه یافته اند.

روآ در این سرگذشت تنها نیست. ۸۰ درصد کودکان با حقوق های بسیار ناچیز بکارهای مختلفی از جمله مکانیکی اتومبیل، دستقروشی و کار در کارگاه ها مشغولند. برای خانواده ها انتخاب دیگری وجود ندارد و تازه هر خانواده ای با تمام مشقات ماهانه پانصد یورو دارند که حتما کفاف اجاره خانه شان را نمیدهد.

کشور ترکیه خود یک میلیون کودک کار دارد که حالا با کودکان سوریه ای هم سرنوشت اند. انجمن "سپورت لیف"، و "اگر میانوتوگلو"، فعال این انجمن که از خانواده های سوریه حمایت میکند، میگوید: بچه های مهاجر حق دارند به مدرسه بروند ولی آموزش و پرورش ترکیه وضعیت خوبی ندارد و با کمبود امکانات مانند معلم، مترجم، مدارس مواجه است. آنها برای ورود به این سیستم باید سخت مبارزه کنند تا بتوانند کودکانشان را بمدرسه بفرستند. برزگترین

مشکل آنان زبان و مسئله اقتصادی است. از طرفی بدلیل رقابت شدید بین مدارس ترکیه، خانواده های دانش آموزان ترکیه معتقدند که ورود این بچه ها بمدارس، سطح آموزشی کودکانشان را بدلیل مشکلات زبانی پایین می آورد.

گفته میشود که کار کودکان سوریه در میداین تره و میوه جات بسیار عادیست و کودکان بخاطر جثه کوچکیشان بسختی از انجام آن برمی آیند و بسیاری از آنان در محیط کار از جانب کارفرماها موجب آزار و اذیت و یا ضرب و شتم قرار میگیرند. با وجود اینکه وزیر کار دستور داده که کار کودکان را کنترل کنند اما کارفرماها در مورد وجود کودک کار در زیرزمین ها شان سکوت میکنند.

متاسفانه این نسل از کودکان جنگ سوریه که در ترکیه خواندن و نوشتن نمیدانند اکثرا در سنین بسیار پایین مجبور به ازدواج ناخواسته میشوند.

گفته میشود که در یکی از محله ها بنام فتیح واقع در استانبول کودکان چهارده ساله سوریه ای، شبانه به آموزش ریاضی مشغولند. معلمشان که "هانادی ال کادی" نام دارد و بطور داوطلبانه به آنها درس می دهد، میگوید: وقتی از بچه ها حالشان را میپرسم، همیشه جواب خسته ایم را میشوند. چون از چهارده نفر، نه نفرشان بیشتر از هشت ساعت در روز کار می کنند.

عایشه دختر کوچکی که ردیف اول نیمکت نشسته میگوید: او در خیاط خانه کار میکند و لیاد که پهلوی اوست هم در همان کارگاه است و هر دو از ساعت یک بعدازظهر تا هشت و یا ده شب کار میکنند و هشت ساعت هم وقت صرف تکالیف مدرسه شان میکنند.

معلم میگوید که امیدوار است که به آنها کمک کنند. اینها بچه هایی اند که کودکی شان بر باد رفته است.

"حایردین" که یک انجمن داوطلبانه را تازه راه اندازی کرده میگوید: تمام مدت سال به کارخانه ها رفتم و کودکان کار را نجات داده ام. او در رپورتاژ روزنامه خبری اش تعریف میکند که زمانیکه بیگاری برده وار کودکان را مشاهده میکردم تمام بدنم از ناراحتی میلرزید و همان زمان با چند داوطلب دیگر "انجمن بچه های کار باید بمدرسه بروند" را تاسیس کردیم و تا بحال توانستیم هشتاد و هشت کودک را در استانبول نجات دهیم اما هنوز ۱۰۰ هزار کودک سوریه ای در استانبول وجود دارند که بمدرسه نمیروند. ما با جمع آوری کمک مالی و تماس با کودکان و خانواده هایشان سعی میکنیم که به آنان خدماتی در حد این انجمن بدهیم و یکی از آن بچه ها رو است که در کارگاه بسته بندی جوراب دوازده ساعت کار میکند. او آرزو دارد که روزی پزشک شود و به سوریه بازگردد.

واضح است که در نظام سرمایه داری در عصر بحران و گندیدگی اش، هرگز حاضر به از دست دادن این کارگران کوچک کم مزد نیست و برای سودآوری و استثمار هر چه بیشتر آنان، چشمش را بر وجود چنین ننگی بزرگی ببندد.

به نقل از: نشریه سوئدی در لینک زیر

<https://svenska.yle.fi/artikel/2016/05/16/svenska-yle-i-turkiet-syriska-barn-jobbar-med-svaltton>

نویسنده : Jessica Stolzmann

ترجمه و تنظیم: پروانه وزیری

به نقل از به پیش، نشریه اتحاد سوسیالیستی کارگری، شماره ۹۰، نهم شهریور ۱۳۹۵، ۳۰ اوت ۲۰۱۶